

## ارزیابی مراجع\*

درک عمیق منابع جدید برای پاسخها مستلزم ارزیابی آن منابع می باشد. کتابدار چگونه میتواند بداند که آیا یک منبع مراجعه، خوب، بد یا در حد متوسط است؟ در سراسر هر فصل این کتاب می توان پاسخهایی جامع به این مسائل پیدا کرد، با اینهمه، با عباراتی نسبتاً ساده، می توان گفت که یک منبع مرجع خوب آنست که به پرسشها پاسخ بگوید و یک منبع مرجع ضعیف آنست که پاسخگوی پرسشها نباشد. استفاده دائم و عملی از هر منبعی (چه یک کتاب و چه یک پایگاه داده ها) خیلی زود آنرا دریکی از این دو گروه جا می دهد. آنچه در زیر می آید بدو مربوط به کتابهای مرجع سنتی است ولی بخش زیادی از آن را می توان به سایر اشکال منابع مرجع منجمله مدارک<sup>۲</sup> و سابل باز خوانی توسط ماشین نیز اطلاق نمود.

به دلیل گرانی اکثر منابع مرجع، شیوه رایج خواندن یک یسا چند نقد کتاب قبل از تصمیم گیری در مورد خرید آن میباشد. کتابخانه های بزرگ معمولاً قبل از خرید، بنا به درخواست خود و یا بطور اتوماتیک نسخه های آزمایشی کتاب را دریافت می نمایند. کتابخانه های کوچک ممکن است راهی جز پذیرش حرف ناقد کتاب یا عدم سفارش کتاب نداشته باشند. بطور ایده آل یک منبع مرجع بایستی توسط یک کتابدار مرجع آموزش دیده قبل از آنکه وارد مجموعه کتابخانه شود مورد بررسی قرار گیرد. هیچ نقد یسا وسیله نقدی بدون نقص و خطا نیست.

کتابدار باید لااقل چهار سؤال اصلی را در مورد یک کار مرجع مطرح نماید. هدف آن چیست؟ سندیت آن در چه حد است؟ دامنۀ کار چیست؟ و خوانندگان آن چه کسانی خواهند بود؟ در آخر شکل ظاهری کار باید مورد توجه قرار گیرد.

---

\* Introduction to reference work by william A.Katz.

V. I Basic information Sources.

1. databases.

2. record

## ۱) هدف.

هدف یک کار مرجع بایست از عنوان یا شکل آن مشخص باشد. پرسش ارزیابانه «آیا نویسنده یاگرد آورنده توانسته است این هدف را برآورده سازد؟» باید مطرح گردد. سرنخهای مربوط به هدف در: الف) فهرست مندرجات، ب) پیش‌گفتار یادیاچه که باید جزئیات آنچه را که نویسنده یاگرد آورنده انتظار برآورده شدنش را دارد در اختیار قرار دهد، و ج) نمایه، که نمونه‌هایش باید گویای آن باشد که چه مطالبی را در بر میگیرد، یافته شود، یک کتاب مرجع بدون نمایه غالباً کم ارزش و یا بی ارزش می باشد. استثناهای این مورد واژه‌نامه‌ها، نمایه‌ها، راهنماها و دیگر عناوین است که در فهرست به ترتیب الفبائی وارد شده است. این سیستم برای کار مرجع از نوع اطلاعاتی و نه برای متون نثر دنباله دار مناسب است، نتیجتاً وجود یک نمایه مطلقاً ضروری است.

دیگر نکات مربوط به هدف یک کار معین غالباً در فهرست ناشر، در آگهی های پستی قبل از انتشار، و در پوشش روی جلد کتاب داده می شوند. چنین توضیحاتی ممکن است به تعیین هدف و حتی درجه نسبی مفید بودن آن کتاب کمک نماید ولی قابل درک است که کاملاً عینی نیستند.

## ۲) سندیت.

مسئله هدف ما را به یک سری کامل پرسشهای مربوط به نویسنده کتاب نزدیک می کند.

## الف)

قابلیتهای نویسنده برای انجام هدف خود کدامند؟ در صورتیکه نویسنده یک دانشمند شناخته شده است، هیچ مشکلی درباره سندیت کار وجود ندارد. مشکل زمانی ایجاد می شود که صحبت بر سر ۹۰ درصد آثار مرجع دیگر باشد که توسط متخصصین تهیه شده‌اند که نامشان در لیست پرفروش ترین کتابها نیامده است. در این مورد کتابدار باید روی نکات زیر تکیه کند:

۱) قابلیتهای نویسنده که در کتاب آمده است. ۲) فهم و عمق آگاهی خود کتابدار نسبت به موضوع. ۳) بررسی های نویسنده در آثار بیوگرافی استاندارد مانند Whos who یا

American men and women of Science

## ب)

منابع آگاهی نویسنده کدام بوده‌اند؟ جواب صحیح این پرسش می تواند جوابگوی مشوالات مطروحه در مورد تعیین صلاحیت (قابلیت) نویسنده نیز باشد. آیا نویسنده از منابع

دست اول استفاده نموده یا سراغ منابع درجه دوم رفته است؟ در صورتی که منابع جدید مورد استفاده قرار گرفته‌اند آیا انتخاب آنها صحیح و کافی بوده‌اند؟ پاسخ این پرسشها را می‌توان با جستجو در پانویسها، ذکر و نقل قول از منابع و کتابنامه‌ها پیدا کرد. بسیاری از آثار مرجع منابع دست دوم هستند (مثل دائرة المعارفها، آلمانا کها، سالنامه‌ها و غیره) ولی به نحو موثری از منابع دست اول ریشه می‌گیرند. کتابی که براساس مطالب اشتقاقی است غالباً مفید میباشد ولی در صورتیکه منابع دست اول ذکر نشده باشند سندیت آن بسیار مشکوک است. در آثار دسته جمعی مانند دائرة المعارفها و بسیاری از کتابهای راهنما باید مقالات امضا داشته باشند یا نشانه‌ای از اینکه چه کسی مسئول کار بوده است داده شود.

### (ج)

مشخصات ناشر ممکن است نشان دهنده ارزش نسبی کتاب باشد. برخی ناشرین شهرت عالی در زمینه انتشار آثار مرجع دارند، برخی دیگر به دلیل انتشار کتابهای نسبتاً خوب و یا بی اعتبارشان معروفند. در برخی موارد، بطور مثال در مورد لغت‌نامه‌ها و دائرة المعارفها بهای چاپ آنقدر بالاست که چاپ این کتب به سه یا چهار شرکت منحصر می‌شود. حتی در بهترین شرایط ممکن، ناشرین به مسائل مالی بیشتر از پیشبرد دانش علاقه مندند. گروهی از ناشرین ممکن است در زمینه کتابهای مرجع عالی، شهرتی را که استحقاق آنها دارند بدست آورده باشند ولی آنها هم خطا ناپذیر نیستند. یک ناشر معروف ممکن است نیم دوجین آثار خوب مرجع انتشار دهد ولی اثر بعدی ممکن است «بمبی» باشد که دلایل تجاری ایجاد کننده آن باشند، یا حتی در صورتیکه توسط نویسنده‌ای دانشمند و مطلع نیز نوشته شده باشد ممکن است غیر ضروری و اضافی محسوب گردد.

بنابراین سندیت مسئله‌ای است مربوط به نویسنده و ناشر ولی هیچیک خطا ناپذیر نیستند و بهترین‌ها گاهی اشتباه میکنند. مثلاً در سال ۱۹۷۸ معلوم شد که یکی از مهمترین ناشرین آثار روان‌شناسی تربیتی، بیشتر داده‌های مربوط به مقالات اصلی و کتابهای خود را که مربوط به هوش میباشند جعل نموده است. این بحث بی‌رویه به طور گسترده‌ای پذیرفته شده بود و نویسنده قبل از مرگ خود در سال ۱۹۷۱ مورد قهردانی قرار گرفته بود. نهایتاً مطالعه دقیق کتاب توسط کتابدار آگاه است که میتواند سندیت کتاب را تعیین نماید.

۱- این روان‌شناس Cyril Bort بوده است و براساس مطالب مندرج در شماره ۲۹ سپتامبر ۱۹۷۸ مجله «Sciences» یافته‌های جدید به صورت غیرقابل تردیدی نشان دهنده آنست که دکتر بورت (Burt) داده‌هایی را که به عنوان آنکه به طور علمی حاصل نشده‌اند معرفی نموده در واقع ساختگی بوده‌اند.

(د)

هرچند در آثار مرجع شیوه نگارش از مسائل اصلی بشمار نمی‌آید ولی باید توجه داشت که در مورد یک سبک نگارش ضعیف هیچ عذری پذیرفته نیست. در واقع ضعف در ارائه مطالب غالباً نشان دهنده طرز فکری در سطح متوسط و یا حتی بدتر از آن عدم قدرت قضاوت عادلانه است. هیچ نویسنده‌ای، حتی آمار دان، نمی‌تواند کاملاً واقع بین باشد. با اینهمه آثار مرجع بیش از دیگر کتابها باید نشان دهنده استقلال ذهن باشند. آنها باید هر دو جنبه مطالب متناقض را ذکر کرده و تصویری عادلانه از ارتباط و محاسن نسبی دید. گاهی مختلف ارائه دهند تا خوانندگان بتوانند خود نتیجه‌گیری به عمل آورند. وقتی یک کار مرجع با عنوانی که تناقض داشته باشد سروکار دارد نحوه انتخاب مطالب و منابع مورد استفاده هم میتواند نمایانگر تعصب و تمایل نویسنده مقاله باشند.

### ۳) داسنه کاربرد.

نخستین مسئله مهم در انتخاب یک کتاب مرجع اینست که «آیا کتاب واقعاً مطلبی به مجموعه‌ها اضافه خواهد نمود یا نه و در صورت مثبت بودن پاسخ، آنچه که اضافه میشود دقیقاً چیست؟ ناشر معمولاً حدود داسنه کار کتاب را در تبلیغ کتاب [که معمولاً روی پوشش جلد چاپ میشود] و یا در پیشگفتار ذکر می‌نماید ولی کتابدار باید محتاط باشد. اسکان دارد نویسنده به داسنه مورد ادعا رسیده و یا در این امر موفق نشده باشد. مثلاً ممکن است ناشر ادعا نماید که یک اطلس تاریخی شامل تمام دوره‌ها و تمام ملل است. کتابدار می‌تواند وسعت کار را به وسیله مقایسه بایک اثر استاندارد مورد آزمایش قرار دهد. آیا اثر جدید واقعا شامل تمام سلل و تمام دوره‌ها است یا برخی از مطالب موجود در آثار استاندارد از آن حذف شده؟ در صورتیکه یک نمایه مدعی در بر داشتن تمام مقالات اصلی در نشریات x و y است. یک بررسی ساده مقالات نشریه در برابر آن فهرست وسعت حقیقی کار فهرست را روشن می‌نماید.

### (الف)

مؤلف چه مطلبی را ارائه نموده که نمیتوان آنرا در دیگر کتابنامه‌ها، فهرس، کتابهای راهنما، آلمانا کها، اطلسها و آژنه‌نامه‌ها و غیره پیدا کرد؟ در صورتیکه اثری در یک محدوده کوچک از مطالب جامع باشد، می‌توان آنرا به سادگی با سایر منابع مربوط به آن موضوع خاص مقایسه نمود. مثلاً یک whos who در زمینه آموزش که خود را به آموزش دهندگان در کالج‌ها و دانشگاههای اصلی در شمال شرقی [ایالات متحده] محدود می‌نماید را می‌توان به سهولت برای دریافت وسعت آن با کاتالوگ جدید کالج مربوط به دانشگاه P & Q مقایسه نمود. در صورتیکه عده‌ای از اعضاء هیئت علمی در کار جدید ذکر نشده باشند می‌توان با اطمینان نتیجه گرفت که وسعت آن با آنچه ادعا شده یکی نیست.

بیشتر آثار مرجع انتخاب شده هستند و در این مورد ناشر و مؤلف باید به روشنی ذکر نمایند که چه مطالبی ذکر شده و چه مطالبی ذکر نشده است. چه روشهایی برای انتخاب یا کنار گذاشتن به کار گرفته شده اند؟ و آیا طرح انتخاب شده مناسب خوانندگانی که اثر مرجع مدعی آنست می باشد؟ یک دایرة المعارف کار آگاهی مثلا ممکن است شاسل کار آگاههای تخیلی باشد یا نباشد ولی در صورتیکه مدعی آن باشد که لیست کار آگاهان زیرک نولها را دربر دارد باید دید که واقعا همه آنها ذکر شده اند؟ آیا کار آگاههایی که در کتاب مورد نظر تحت بررسی قرار گرفته اند مناسب هدف خوانندگان اثر هستند؟

دیگر سئوالات کلی مربوط به داسنه کار تقریباً به کثرت خود آثار مرجع هستند. می توان داسنه و دیدگاههای یک اثر را از نظر ملی یا سیاسی مورد سؤال قرار داد؛ همچنین وسعت کتابنامه ها بر اساس تعداد، طول، زبان، تناسب زمانی و نظائر آن، وجود یا عدم وجود راهنماها، فهرس، تصاویر و غیره، تعداد مطالبی که واقعا ملحوظ یا منظور شده باشند، به طور مثال تعداد ورودی ها در یک واژه نامه، از جمله سئوالاتی است که می تواند پرسیده شود. علاوه بر این نقطه نظرهای مهم که جنبه عمومی دارند، موارد دیگری وجود دارند که بطریقی ساده تر قابل دست یابی هستند.

### (ب)

تازگی مطالب از نظر زمانی یکی از مهمترین ویژگیهای همراثر مرجعی است مخصوصاً آن که برای رجوع ساده مورد استفاده قرار سیگیرد. اطلاعات آنقدر سریع تغییر می نمایند که آلماناک سال پیش ممکن است از نظر تاریخی سهم باشد ولی ارزش کمی در زمینه پاسخ به سئوالات جدید نداشته باشد.

به جز در مورد فهرس مربوط به وقایع جاری مانند Factsm File و The readers و Literature Guid, to Periodical تاریخ بیشتر آثار مرجع منتشر شده حتی قبل از آنکه از چاپخانه ها خارج شوند زده میشود. زمان فاصل میان دریافت یک نسخه اولیه توسط ناشر و انتشار آن ممکن است از شش ماه تا دو سال طول بکشد. بنابراین در تعیین تازگی یک اثر باید به مسائل مربوط به چاپ کتاب توجه مبذول داشت.

تاریخ مربوط به حقوق اثر به خودی خود ممکن است تنها یک دلیل نسبی تناسب زمانی اثر باشد. آیا این دوره تجدید نظر شده است یا بر اساس یک چاپ قبلی می باشد؟ در این روزها که آثار به دفعات تجدید چاپ می شوند. سؤال مذکور دارای اهمیتی خاص است. یک اثر استاندارد مرجع ممکن است با تاریخ انتشاری که روی صفحه عنوان چاپ

می‌شود مثلاً ۱۹۸۰ تجدید چاپ شود ولی در پشت همان صفحه عنوان، تاریخ اصلی مربوط به حقوق ناشر ممکن است ۱۹۷۶ باشد. در صورتیکه اثری مورد تجدید نظر قرار گرفته و مطالب آن از نظر زمانی تازه شده باشند تاریخ مربوط به حقوق ناشر معمولاً با تاریخ روی صفحه عنوان یکی خواهد بود. اختلاف فاحش باید زنگ خطر کافی باشد که نشان می‌دهد مطالب کتاب را از نظر تازگی آنها باید بدقت مورد بازرسی قرار داد.

سعدودی از آثار مرجع، مگر آنکه کاملاً تازه باشند، شامل برخی اطلاعات تاریخ دار نخواهند بود بهترین روش اطمینان حاصل نمودن از اینکه آیا مطالب تاریخ دار دارای ارزش هستند و کنترل عامل تازگی آنها، نمونه برداری از آن اثر است. این به معنی جستجوی نامهایی است که آمار مربوط به جمعیت، حدود جغرافیائی، رکوردهای حاصله و وقایع تازه ذکری از آنها بعمل آمده است و تقریباً هر واقعه جدیدی که در ارتباط با هدف و محدوده وسعت اثر قرار دارد. احتیاجی به ذکر این نیست که هیچ اثر مرجعی نباید براساس نمونه - گیری یک یا دو مطلب رد شود و یا مورد قبول واقع گردد.

در صورتیکه اثری مدعی آنست که چابی تازه باشد حدود تجدید نظرهای ادعا شده باید بدقت مورد توجه قرار گیرد. این عمل را می‌توان به سهولت از طریق مقایسه آن با چاپ پیشین یا با در نظر گرفتن هر اختلاف فاحش میان تاریخهای مطالب ذکر شده و تاریخ انتشار انجام داد. مثلاً وقتی که دائرةالمعارفی مدعی آنست که مطالب آن کاملاً با وقایع جدید مطابقت دارند ولی در کتابنامه آن هیچ اثری که در دو یا سه سال پیش از تاریخ ذکر شده در صفحه عنوان منتشر گردیده است وجود نداشته می‌باشد مسلماً نشاندهنده موردی غیرعادی می‌باشد.

(ج)

در خود اثر، دامنه کاربرد باید در مورد تک تک مطالب قابل مقایسه هماهنگی داشته باشد. مثلاً در یک فرهنگ شرح حال، خواننده باید مطمئن باشد که همان نوع اطلاعات کلی را در هر بار مراجعه پیدا می‌کند: تاریخ تولد، محل تولد، آدرس، دستاوردها، وغیره.

(د)

آیا اثر مرجع می‌تواند به تنهایی مورد استفاده قرار گیرد یا باید به وسیله اثر دیگری تکمیل شود؟ مثلاً وسعت کار «نویسندگان معاصر» به حد قابل توجهی از «نویسندگان جهان» بیشتر است. تأکید روی بسیاری از نویسندگان کم شهرت در اثر اولی، آنرا به مرجع یاری دهنده با ارزشی تبدیل می‌کند ولی دومی برای آگاهی به شرح حال اشخاص بطور مفصلی بسیار مفیدتر است. درجایی که باید انتخابی صورت گیرد کتابدار بایستی به دقت نوع خوانندگان

احتمالی را مورد توجه قرار دهد.

### ع) خوانندگان.

به جز دائرةالمعارفهای نوجوانان بیشتر آثار مرجع برای افراد بسزرگسال تهیه می‌شوند. وقتی مسئله خوانندگان در پیش است کتابدار باید یک سؤال اصلی را مطرح نماید. آیا این اثر برای دانشوران یا دانشجویان این رشته است یا برای افراد عادی که اطلاعات کمی دارند یا اصلاً اطلاعاتی ندارند؟ «مثلاً در زمینه شیمی آلی» راهنمای شیمی آلی<sup>۱</sup> اثر باینشتاین<sup>۲</sup> برای شیمییدانها همانقدر شناخته شده است که «Ioplo» برای علاقمندان موسیقی. یقیناً این اثر برای دانشجویی است که اطلاعاتی کلی در زمینه شیمی دارد. هرچند غالباً تفاوت میان خوانندگان تا این حد واضح نمی‌باشد.

یک روش مفید کنترل سطح یک اثر مرجع برای کتابدار آنست که سطحی را که برای خودش بسیار روشن است خواننده و سپس چیزی را بخواند که به آن خبری با آن آشنا نیست. در صورتیکه هر دوی آنها را بفهمد، در صورتیکه زبان آنها به طور مساوی فاقد اصطلاحات فنی و حرفه‌ای باشد، در صورتیکه سبک نگارش مطلع کننده و در عین حال بر انگیزنده باشد کتابدار می‌تواند به طور معقولی مطمئن باشد که آن اثر مناسب افرادی عادی است. البته اگر کل کتاب خارج از حدود اطلاعات کتابدار باشد باید از یک فرد متخصص در آن موضوع نظرخواهی نمود. باینهمه این وضعیت معمولاً پیش نیاید، مثلاً کتابداران مرجع در زمینه‌هایی که فعالیت می‌کنند به مرور زمان دارای تخصصی می‌شوند.

### ه) شکل ظاهری.

مطالبی که در اینجا مورد بحث قرار گرفته‌اند ضروری هستند ولی یکی از باسناترین پرسشها مربوط به ترتیب قرارگرفتن مطالب است که در اینجا با آن به عنوان بخشی از شکل ظاهری اثر برخورد می‌شود. ترتیب مطالب دارای اهمیت فراوانی است. طرز دسترسی به مطالب باید ساده باشد. اصولی کلی برای چگونگی منظم کردن و ترتیب دادن مطالب وجود دارند که می‌توان بعنوان راهنماهای مهم در مورد ارزش نسبی یک اثر خاص برای پاسخگویی سئوالات و دستیابی به مطالب کتاب مورد استفاده قرار گیرند. بطور خلاصه:

**الف)** در صورت امکان داده‌ها باید به ترتیب الفبائی مانند واژه‌نامه مرتب شوند. فایده این کار این است که احتیاجی به آسوختن طرح ترتیب مطالب وجود ندارد.

**ب)** در مواردی که ترتیب الفبائی وجود ندارد باید فهرست‌های نویسنده، موضوع و فهرست عناوین یا فهرستی که جنبه‌های مختلف محتوای کتاب را دربرگیرد وجود داشته

باشد. حتی در سواردی که ترتیب الفبائی وجود دارد غالباً توصیه می‌شود که فهرست باشد. به خصوص در سواردی که قسمتهائی از مطالب باید از مقالات طولانی بیرون کشیده شوند.

ج) در سوارد لازم (در متن یا فهرست و یا هر دو) باید مطالب به مقدار کافی به هم رجوع داده شوند و نه به سواردی که وجود ندارند. مثلاً در کتابی که خوانندگان راهنگامی که به دنبال کلمه «نسخه بدوی» برمی‌گردند به «آرشیوها» رجوع می‌دهد باید دارای عنوان «آرشیوها» نیز باشد، این قاعده‌ای ساده است ولی بسیار اتفاق می‌افتد که در زمان ویراستاری، عنوان مدخل مربوط به مطلب رجوع داده شده حذف می‌گردد.

د) در مورد برخی آثار به ویژه در مورد منابع علمی باید روشن دیگری بکار گرفته شود. طبقه بندی مطالب باید تا حد ممکن ساده باشد و مسلماً باید در سراسر اثر یکدست و منطقی باشد و در صورتیکه فهم آن مشکل باشد می‌تواند اعلام خطری درباره ارزشهای کل اثر باشد.

شکل ظاهری می‌تواند ترتیب مطالب را برهم زده یا به آن کمک نماید حتی اثری که به بهترین نحو ممکن مرتب شده در صورتیکه طوری صحافی شده باشد که در موقع گشودن کتاب صفحات به خوبی و صاف از هم جدا نشوند و یا در صورتیکه تفاوت آشکاری میان عناوین فرعی در صفحه وجود نداشته باشد مایه دردسری شود. وسیله‌های تخلیص واژه‌ها، لیتوگرافی نمادها و علامت مربوط به ارجاع به مطلب دیگر باید واضح بوده و یا آنچه که انتظار می‌رود خواننده بشناسد بمناسبت باشد. استفاده از چاپ افست از مطالب کامپیوتری شده باعث برخی دشواریهای سردرگم کننده شکل ظاهری کتاب شده است.

مثلاً وقتیکه تخلیص عناوین به کار می‌رود ممکن است تشخیص «ویرجینای غربی» از «غرب ویرجینیا غیر ممکن» باشد. حروف کوچک یکدست [در الفبای لاتین] هم به همین اندازه باعث سردرگمی می‌شوند. فقدان فضای خالی میان خطوط، کاغذ بد، کمی یا فقدان حاشیه و سایر موانع در خواندن همگی حتی در برخی کتابهای مرجع استاندارد بسیار واضحند. در مورد تصاویر: وقتی عکسها، چارتهای، جداولها و دیاگرامها مورد استفاده قرار می‌گیرند باید جدید، واضح و مربوط به متن باشند. اینها بایستی در مجاورت مطلب مورد بحث و یا حداقل به وضوح مشخص شده باشند.

آخرین حرف درباره این موضوع ممکن است بسته به نحوه تعبیر خواننده، ساده لوحانه یا بدبینانه به نظر بیاید ولی اصل این است که به هیچ کس اعتماد نکنید. ناقد، ناشر و نویسنده گاه با ابعاد وحشتناکی دچار اشتباه می‌شوند. کتابداری که کتابهای مرجع را همیشه بسا تردیدی دائمی از بدترین نوع مورد ارزیابی قرار می‌دهد کمتر ممکن است قربانی آن اشتباهها شود.